



در جلسه‌ای گفت از زمان عدم حضور نقشی که فلاحی پور بازی می‌کرد پخش سریال «دلنوازان» با افت ۴۰ درصدی مخاطب مواجه شد. نقشش کاملاً گرفته بود. منتهی مسائلی حاشیه‌ای بود که من نمی‌توانستم به آنها توجهی نکنم.

اگر الان چنین اتفاقی رخ می‌داد گونه دیگری عمل می‌کردید؟
کارم را ادامه می‌دادم و دیگر بازی در کاری را نیمه‌کاره رها نمی‌کنم. اما قضیه و حقم را پی‌گیری می‌کنم. الان راه‌های اعتراض باز شده است. به هر حال این ایده‌لیست بودن کار دستم داد.

حتما به دلیل داشتن چنین روحیه‌ای تا کنون خیلی از پیشنهادات کاری را از دست داده‌اید؟

پیش‌نیامده. اما برخی از دوستان پشت سر ما حرف می‌زدند و شرایط را خراب می‌کردند. یک بار در آکران خصوصی فیلمی؛ ضیاءالدین دری، گفت «دستمزدت چقدر بالا است که اطرافیان ما را نهمی می‌کنند که سراغت نیایم؟» دوست دیگری گفت که موقع انتخاب نقش یکی از اعضا گروه تولید می‌گفت اخلاق فلاحی پور تند و بداست و بهتر است انتخابش نکنیم. در حالی که بد اخلاق نیستیم. من روی برخی از مسائل حساسیت داشتم.

آیا ضیاءالدین دری شما را برای بازی در «کیف انگلیسی» مد نظر داشت؟

هم کیف انگلیسی و هم کلاه پهلوی.

در سال‌های بعد با سهیلی زاده آشتی کردید؟

نه، آشتی نکردیم ولی دوستش دارم.

چرا بعد از «دلنوازان» دیگر با سهیلی زاده کار نکردید؟

دیگر پیش‌نیامد و گویا دلخوری ایشان ادامه دار شده است.

در مقطعی با حضور در «شب دهم» و «دلنوازان» قابلیت تبدیل به ستاره شدن و در معرض توجهات قرار گرفتن را داشتید اما از آن دوری کردید دلیلش چه بود؟

بازیگری برای من در حکم مطرح کردن خودم نیست. دوست دارم نقش‌هایی را بازی کنم که اوج و فرودهای مناسبی داشته باشد و در درام فیلمنامه هم نقش مهمی ایفا کند و در کلیت مجموعه بتواند اثر گذار باشد. این ویژگی می‌تواند در نقش‌های مثبت و یا منفی هم وجود داشته باشد.

سریال «در جستجوی آرامش» چه ویژگی‌ای برای تان داشت که بازی در آن را بپذیرفتید؟

سعید سلطانی همیشه به من لطف داشته و هر سریالی که ساخته از من دعوت به همکاری کرده است که هر بار بنا به دلیلی این کار میسر نشد. در وهله به خاطر خود سعید سلطانی بازی در این سریال را بپذیرفتم. در ابتدای شروع کار این پیشنهاد به من ارائه شد اما از آنجایی که درگیر بازی در سریال «شهرزاد» بودم نتوانستم این کار را انجام بدهم. در ادامه کار چون بازی‌ام در سریال «شهرزاد» رو به پایان بود نتوانستم با این پروژه همکاری کنم و در اصل خواستم به ایشان کمکی کرده باشم. امیدوارم نتوانسته باشم در این سریال بازی خوبی ارائه کرده باشم و بازی‌ام دیده شود. سعید سلطانی با کارهای پر مخاطب و جذابی نظیر «پس از باران»، «سربراه» و «ستایش» که ساخته، نشان داده که کار در مادیوم تلویزیون را به خوبی بلد است و می‌تواند با مخاطب ارتباط برقرار کند و در این سالها کارهای درام، ملودرام و کمدی نیز ساخته و در حوزه کارهای مناسبی هم توانایی خاصی دارد و در تلویزیون به عنوان کارگردانی مولف و معتبر شناخته می‌شود و اکثر بازیگران بهترین بازی‌های‌شان را در کارهای سعید سلطانی ارائه کرده‌اند.

آیا شخصیت منصور مستوفی را می‌توانیم خاکستری بدانیم؟

به نظر من منفی است. منتهی ضمن مشورت با سعید سلطانی تلاش کردم ابعاد مرموز بودن این شخصیت هم در نوع بازی‌ام دیده شود و یک جورهایی یک منفی صرف، نمایی، کلیشه‌ای و گل درشتی نباشد.

به نظر می‌رسد منصور آدم دانا و زیرکی باشد؟

همینطور است. او آدمی است که ضمن باهوش بودن قدرت تطبیق پذیری با شرایط را هم دارد.

البته در مواجهه با همسرش آذر، وجوهات مثبت شخصیتش را نشان می‌دهد.

خب، منصور همسرش را دوست دارد و اهل خانواده و تداوم زندگی‌اش است و تلاش می‌کند زندگی خوبی برای آذر فراهم کند. نباید هم فراموش کنیم همه آدم‌ها در زندگی‌شان دچار لغزش و اشتباهاتی می‌شوند و بیشتر مواقع هم جبران این خطاها سخت می‌شود. جاهایی هم در این شرایط تغییراتی در شخصیت به وجود می‌آید. کما این که منصور نمی‌تواند کارهایش را جبران کند. برای من این فراز و نشیب شخصیت منصور جذابیت داشت.

در گذشته هم چنین شخصیتی را بازی کرده بودید؟

بله در سریال «گل‌های گرمسیری» به کارگردانی محمدمهدی عسگرپور چنین شخصیتی را بازی کرده بودم. عسگرپور هم جزو کارگردانان کاربلد است و من هم تمام تلاشم را کردم تا این کاراکتر را قابل باور بازی کنم.

منصور را به خاطر کارهایی که انجام می‌دهد چقدر محق می‌دانید؟

هر انسانی برای هر عملی که انجام می‌دهد توجیه و استدلالی دارد. حتی کسی که مرتکب قتل می‌شود برای کارش دلیل می‌آورد. سوالی مطرح

می‌شود آیا این شخص راه دیگری را نمی‌توانست در پیش بگیرد؟ و البته این بررسی و قضاوتش بر عهده دیگران است. در خیلی از جاها شما سوال می‌کنند اگر شما در این موقعیت بودید چه واکنشی داشتید. قضاوت در این باره کار دشواری است و شاید هم اگر ما در موقعیت مشابهی قرار بگیریم شاید واکنش مان همین‌گونه باشد.

یکی از نکات در خشان کارنامه کاری تان همکاری با حسن فتحی است و با بازی در سریال «شب دهم» برای مخاطب شناخته شدید. این همکاری چگونه شکل گرفت؟

در آن زمان گروه تئاتر آئین را داشتیم که با داود دانشور و بهروز بقایی و جعفر دهقان همکاری می‌کردیم. حسن فتحی به اتفاق همسرشان قبل از شروع به کارش در تلویزیون گویا در مجلات سینمایی مثل سروش نقد تئاتر می‌نوشتند و کار تئاتر می‌دیدند و چند کار تئاتر هم از من دیده بودند و دوسه باری هم نقدهای مثبتی در باره بازی من نوشتند. این پیش زمینه شناخت او از من منجر به دعوت و همکاری‌مان در این سریال شد. البته به دلیل اینکه در آن دوران من چندان در تلویزیون معروف نبودم مقداری تهیه‌کننده برای حضور در ایفای این نقش تردید داشت. اما فتحی پای حرفش ایستاد و انتخاب شدم. با «شب دهم» برای اولین بار بعد از انقلاب پای کلاه مخملی‌ها به تلویزیون باز شد.

آیا از ابتدا هم قرار بود نقش یاور را بازی کنید؟

دو نقش برای من در نظر گرفته شده بود یکی نقش سرگرد بود که محمود پاک‌نیت آن را بازی کرد و دیگری همین نقش یاور بود.

دو نقشی که منفی بودند.

بر خلاف نظر شما، من یاور را منفی ندیدم. او در انتها تحول پیدا می‌کند. بازی در نقش یاور در سریال «شب دهم» که یک لوطی بامرام بود برایم خیلی جذابیت داشت.

در سال‌های بعد با حضور در سریال‌هایی چون «روشن تر از خاموشی» این همکاری تداوم پیدا کرد؟

این سریال به اندازه «شب دهم» موفق نبود. هم به دلیل متن سنگین، هم به دلیل بعد فلسفی و عرفانی در کش‌برای مخاطب عام دشوار بود. در این سریال نقش قدرت رقیب عشقی ملاصدرا را بازی کردم.

با حضور در سریال «شهرزاد» اعتبار و وجهه بهتر و بیشتری نزد مخاطبان پیدا کردید؟

بله، در ابتدا قرار بود در سریال «شهرزاد» نقش حشمت را بازی کنم اما متأسفانه در مقطع اول کار با تهیه‌کننده به توافق نرسیدم و در نهایت این نقش به ابوالفضل پور عرب رسید. اما بعد از اتمام نقش ایشان در این سریال به دعوت دوباره حسن فتحی ایفاگر نقش نصرت شدم. خیلی از مردم من را با این نقش می‌شناسند و هنوز کامنت‌های مثبتی در اینستاگرام دریافت می‌کنم. حسن فتحی کارش را خیلی خوب بلد است و بر اساس تفکر درستی که دارد به سراغ بازیگران مناسبی هم رفته است و در نتیجه از کارش استقبال شد و فکر می‌کنم در حافظه تاریخی مردم هم باقی خواهد ماند.

بازی در سریال «آگه بابام زنده بود» باعث شد تا استعداد شما در کمدی و استفاده درست از لهجه دیده شود. همکاری با همایون اسعدیان در این سریال چگونه شکل گرفت؟

قبل از شروع بازی‌ام مرتب با کارگردان تماس می‌گرفتم و اتود ایده‌هایی را که در ذهن داشتم مطرح می‌کردم. ایشان نقش را جدی دیده بود و قرار بود نقش مقابل که سیامک انصاری ایفای می‌کرد بار کمدی را به دوش بکشد. با خواندن فیلمنامه فکر کردم شخصیتی که قرار است بازی کنم کمدی‌تر از آن شخصیت است.

این آدم خصوصیات جذابی دارد که دست شما را برای ارائه کمدی موقعیت باز می‌گذارد؟

خسب است و زرتنگ بازی‌هایی از خودش بروز می‌دهد. در تداوم

پیشنهادات به کارگردان گفتم این آدم باید قوزی داشته باشد و کج و کوله راه برود. من اتودهایی زدم و هنوز هم کارگردان تردید داشت تا از این ویژگی‌ها استفاده کنم. در روز شروع کار دوباره اتود زدم و اسعدیان خوشش آمد و پذیرفت استفاده کنم.

استفاده از لهجه چگونه به وجود آمد؟

برای اینکه شخصیت ملموس شود باید لهجه‌ای می‌داشت. من استفاده از لهجه کردی کرمانشاهی را پیشنهاد دادم. مهدی فرجی‌اش را بعد از ۱۵ روز از زمان شروع فیلمبرداری دیده بود و حرف‌هایی را مطرح کرد و کارگردان آمد سر صحنه و گفت از بالا عنوان شده که از لهجه نباید استفاده کنم. من گفتم مگر می‌شود چنین کاری کرد و کلی زمان از فیلمبرداری گذشته است و با دیدن عصبانیت من کارگردان کوتاه آمد و تلفن مهدی فرجی را گرفت و گفت با او صحبت کن و من مسائل را شرح دادم و فرجی گفت کمی غلظت استفاده از لهجه را کم کن و من گفتم لهجه را تبدیل به لحن می‌کنم. بتدریج حرف‌های گل درشت لهجه کرمانشاهی را حذف کردم و به لحن رسیدیم. مهدی فرجی با دیدن این وضعیت رضایت داد و کار ادامه پیدا کرد.

با توجه به نوع بازی شما و گویش تان و بازی خوب انصاری کار بسیار موفق روانه آنتن شد.

جزو کارهای موفقم در کارهای کمدی به همراه بازی‌ام در «مرد هزار چهره» بود.

در «مرد هزار چهره» مدیری برای اولین بار از تعدادی بازیگر مثل شما استفاده کرد که در کارهای قبلی‌اش حضور نداشتند و بازی‌های هماهنگی با سایر بازیگران نداشتند. این همکاری چگونه شکل گرفت؟

مهران مدیری از بازی‌ام راضی بود و خودم هم با نقش ارتباط برقرار کردم و نقشم بیشتر مبتنی بر کمدی موقعیت بود.

گویا در دانشگاه در رشته تدوین تحصیل کردید دلیلش چه بود؟
به تدوین علاقه داشتم و در دانشگاه علمی کاربردی این رشته را تحصیل کردم.

به چه دلیل در سال‌های اخیر مفهوم گروه در تئاتر از بین رفته است؟

در دوران ما گروه باعث می‌شد بهترین بازیگران رشد کنند و بتوانند بازیگران خوبی بشوند. در گروه کارهای کارگاهی بسیار تاثیر گذار است. متأسفانه الان شرایط تغییر پیدا کرده و متأسفانه آموزش کارگاهی هم تضعیف شده است. دانشگاه‌ها هم بهره‌چندانی برای دانشجویان ندارند.

آیا بازی در سریال‌های تاریخ معاصر جزو دغدغه‌های کاری تان است؟

من به تاریخ علاقه زیادی دارم و بازی کردن در این نوع سریال‌ها را می‌پسندم. اصولاً سفر و درگیر شدن در تاریخ و رخدادها و شخصیت‌هایش همیشه لذت بخش و جذاب است.